

# نظم اشیاء

دیرینه‌شناسی علوم انسانی

میشل فوکو

مترجم: یحیی امامی



پژوهشگاه و مطالعات فرهنگی و اجتماعی  
وزارت فرهنگ، هنر و تفریح

## فهرست

دیباچه پژوهشکده .....	یازده
مقدمه چاپ انگلیسی .....	۱
پیش‌گفتار .....	۱۱
بخش ۱	
فصل ۱: زنان عالی‌تبار .....	۳۱
فصل ۲: نثر جهان .....	۵۵
چهار همانندی .....	۵۵
اعضاءها .....	۶۹
محدوده‌های جهان .....	۷۷
نوشته‌های اشیاء .....	۸۴
هستی زبان .....	۹۶

## فصل ۱

### زنان عالی تبار<sup>۱</sup>

#### I

نقاش اندکی عقب‌تر از پرده نقاشی خود ایستاده است [۱]. او به الگوی خود نگاه می‌کند؛ اگرچه ممکن است که اولین حرکت قلم هنوز انجام نشده باشد اما احتمالاً به این مسأله فکر می‌کند که پاره‌ای از ریزه‌کاری‌های پایانی را [به نقاشی] اضافه بکند. دستی که قلم مو را گرفته به چپ، به سمت تخته‌شستی [یا جارنگی] خم شده و برای لحظه‌ای بین بوم و رنگ‌ها بی‌حرکت مانده است. دست پرمهاریت در وسط هوا معلق است و در نگاه نقاش در حالتی از جذبۀ متوقف مانده؛ و نگاه نیز به نوبه خود منتظر رُست متوقف مانده است. بین نوک قلم و نگاه خشن، منظره در شرف رها ساختن حجم‌اش است.

اما نه بدون نظام دقیقی از طرفنها. نقاش، با ایستادن اندکی عقب‌تر، خودش را در یک طرف نقاشی‌ای قرار داده است که روی آن کار می‌کند.

---

۱. *The maids of honour* Las Meninas)، ندیمه‌ها؛ نام نقاشی‌ای است که ولاسکز، نقاش اسپانیایی، در سال ۱۶۵۶ آن را کشیده است. این اثر یکی از مشهورترین نقاشی‌های جهان است و در موزه پرادو مادرید نگهداری می‌شود. لوکا جوردانو گفته است که این نقاشی «الهیات نقاشی» است. سر توماس لاورنس گفته که این نقاشی فلسفه‌ی هنر را مجسم می‌کند. — م.

## فصل ۱

### زنان عالی تبار<sup>۱</sup>

#### I

نقاش اندکی عقب‌تر از پرده نقاشی خود ایستاده است [۱]. او به الگوی خود نگاه می‌کند؛ اگرچه ممکن است که اولین حرکت قلم هنوز انجام نشده باشد اما احتمالاً به این مسأله فکر می‌کند که پاره‌ای از ریزه‌کاری‌های پایانی را [به نقاشی] اضافه بکند. دستی که قلم مو را گرفته به چپ، به سمت تخته‌شستی [یا جارنگی] خم شده و برای لحظه‌ای بین بوم و رنگ‌ها بی‌حرکت مانده است. دست پرمهاریت در وسط هوا معلق است و در نگاه نقاش در حالتی از جذبۀ متوقف مانده؛ و نگاه نیز به نوبه خود منتظر ژست متوقف مانده است. بین نوک قلم و نگاه خشن، منظره در شرف رها ساختن حجم‌اش است.

اما نه بدون نظام دقیقی از ترفندها. نقاش، با ایستادن اندکی عقب‌تر، خودش را در یک طرف نقاشی‌ای قرار داده است که روی آن کار می‌کند.

---

۱. *The maids of honour* Las Meninas)، ندیمه‌ها؛ نام نقاشی‌ای است که ولاسکز، نقاش اسپانیایی، در سال ۱۶۵۶ آن را کشیده است. این اثر یکی از مشهورترین نقاشی‌های جهان است و در موزه پرادو مادرید نگهداری می‌شود. لوکا جوردانو گفته است که این نقاشی «الهیات نقاشی» است. سر توماس لاورنس گفته که این نقاشی فلسفه‌ی هنر را مجسم می‌کند. — م.

به عبارت دیگر، برای ناظری که در زمان حاضر او را مشاهده می‌کند او در سمت راست بوم است، درحالی که بوم کل انتهای سمت چپ را اشغال می‌کند. صفحه پشتی بوم به سمت ناظر چرخیده است: ناظر نمی‌تواند هیچ بخشی از آن را ببیند، به جز طرف معکوس آن را، به همراه قاب بزرگی که بوم بر روی آن کشیده است. از طرف دیگر، تمام قد نقاش کاملاً قابل مشاهده است؛ به هر تقدیر، بوم بلند نقاش را پنهان نکرده است، بومی که ممکن است به زودی او را وقتی دوباره قدمی به سوی آن برمی‌دارد تا به کارش بازگردد جذب خود کند، او بی‌تردید، همین الان، در این لحظه، در برابر چشمان ناظر از چیزی سربرمی‌آورد که در اصل به تعبیری قفس بزرگی است که به وسیله سطحی که او نقاشی می‌کند به عقب پرتاب شده است. اکنون می‌توان دید که او در لحظه‌ای خاموش، در مرکز خشتی این نوسان، گرفتار شده است. بدن تیره و چهره روشن او در نیمه‌راه بین دیدنی و نادیدنی قرار دارد: نقاش درحالی‌که از آن بوم در ورای نظر ما پدیدار می‌شود، به نگاه ما وارد می‌شود؛ اما وقتی در یک لحظه قدمی به سمت راست برمی‌دارد خودش را از نگاه ما کنار می‌کشد و در این حالت دقیقاً در جلوی بومی که نقاشی می‌کند ایستاده است؛ وی وارد ناحیه‌ای می‌شود که نقاشی‌اش، که برای لحظه‌ای فراموش شده است، بار دیگر برای او، عاری از سایه و عاری از خاموشی، قابل دیدن می‌شود. گویی نقاش نمی‌تواند هم‌زمان در تصویری دیده شود که او در آن بازنمایی می‌شود و یا آن چیزی را ببیند که روی آن چیزی را بازنمایی می‌کند. او در آستانه این دو مشاهده پذیری<sup>۱</sup> ناسازگار فرمان می‌راند.

نقاش نگاه می‌کند، چهره او اندکی برگشته و سرش به سمت شانه خم شده است. او به نقطه‌ای خیره شده که اگرچه نادیدنی است [اما] ما، ناظران،